



پنج درس آموزنده سعادت بخش از امام سجّاد(ع)

مرحوم قطب الدّین راوندی در کتاب خود آورده است: امام سجّاد صلوات الله علیه چون نماز صبح را به جا می آورد؛ در جایگاه خود می نشست و دعا می خواند تا موقعی که خورشید طلوع نماید؛ و پس از طلوع خورشید، دو رکعت نماز برای سلامتی خود و افراد خانواده اش می خواند و سپس مختصری می خوابید.

1 - مرحوم قطب الدّین راوندی در کتاب خود آورده است: امام سجّاد صلوات الله علیه چون نماز صبح را به جا می آورد؛ در جایگاه خود می نشست و دعا می خواند تا موقعی که خورشید طلوع نماید؛ و پس از طلوع خورشید، دو رکعت نماز برای سلامتی خود و افراد خانواده اش می خواند و سپس مختصری می خوابید.

و چون از خواب بیدار می شد، دندان های خود را مسواک می نمود و بعد از آن مشغول صرف صبحانه می گردید. (54)

2 - مرحوم کلینی، به نقل از حضرت صادق آل محمد علیهم السّلام حکایت فرماید: هرگاه یکی از دامادهای امام سجّاد علیه السّلام داخل منزل وی می گردید و بر حضرتش وارد می شد، امام سجّاد علیه السّلام عباى خود را از دوش بر می گرفت و برای او پهن می نمود تا روی آن بنشیند.

و سپس به داماد خود می فرمود: خوش آمدی، که تو هم تأمین کننده هزینه های خانواده خود و هم، نگه دارنده ناموس خود از شرّ هواهای نفسانی و اجانب هستی. (55)

3 - روزی امام سجّاد علیه السّلام مشغول خوندن نماز بود، که در بین نماز عباى آن حضرت از روی شانه اش افتاد و حضرت بدون کمترین توجّهی نسبت به آن، با همان حالت به نماز خود ادامه داد.

چون از نماز فارغ شد یکی از اصحاب آن حضرت جلو آمد و اظهار داشت: یاابن رسول الله! چرا هنگامی که عبا از روی شانه شما افتاد، بدون توجّه به آن، به نماز خود ادامه دادی؟!

امام علیه السّلام فرمود: این چه اعتراضی است که مطرح می کنی؟!

آیا می دانی من در حال نماز، در مقابل چه کسی قرار داشتم؛ و با چه کسی سخن می گفتم؟

آیا توجّه نداری، هر مقداری که از نماز با خلوص و توجّه کامل به خداوند متعال باشد به همان مقدار مقبول درگاه الهی قرار می گیرد.

آن شخص گفت: پس وای بر حال ما، که بیچاره هستیم.

و حضرت فرمود: از لطف و رحمت پروردگار مهربان ناامید نباشید، چون خداوند متعال به وسیله نمازهای نافله، نواقص نماز را تکمیل و جبران می نماید. (56)

4 - روزی شخصی حضرت سجّاد علیه السّلام را تعریف و تمجید کرد و اظهار علاقه شدیدی نسبت به آن حضرت داشت.

امام علیه السّلام فرمود: خداوند، به تو پناه می برم از این که مبادا دیگران مرا دوست بدارند، در حالی که تو مرا دشمن داشته باشی. همچنین حکایت کره اند: روزی که عید عرفه بود، آن حضرت از محلی عبور می نمود، عده ای را مشاهده کرد که در حال گدائی بودند و از این و آن تقاضای کمک می کردند.

حضرت با حالت تعجّب به آن ها نگاهی نمود و فرمود: وای بر شما، که در مثل چنین روزی - روز عرفه - از غیر خداوند متعال، کمک می طلبید و چشم امید به دیگران بسته اید. (57)

5 - مرحوم کلینی رحمه الله علیه در کتاب شریف کافی آورده است:

شخصی به نام سعید بن مسیب حکایت کند: روزی به محضر مبارک امام سجّاد علی بن الحسین علیهما السّلام وارد شدم در حالتی که آن حضرت مشغول خواندن نماز بود، پس چون نماز خود را به پایان رساند، شخصی درب خانه را زد.

حضرت فرمود: سائلی - گدائی - آمده است و تقاضای کمک دارد، او را ناامید مگردانید. (58)

پی نوشتها:

54- اعلام الوری 297؛ کشف الغمه 286/2؛ اعیان الشیعه 630/1.

55- طبقات ابن سعد 156/5.

56- تاریخ آل محمد 127؛ تاریخ گزیده 203.

57- ارشاد 154/2.

58- اعلام الوردی 297؛ کشف اغمه 284/2؛ فصول المهمة 209؛ نور البصار 142.